

جایگاه شیعیان در ساختار اجتماعی نیجریه

علی شیرخانی / دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم / rooz1357@gmail.com
سیدسعید هاشمی‌نسب / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۶

چکیده

تجربه تبلیغ تشیع و مکتب اهل‌البیت (ع) در فضای بین‌المللی، پس از انقلاب اسلامی ایران، چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی، دچار دگرگونی بنیادینی گردید. در این میان، تجربه تشیع در نیجریه به علت رشد سریع، یگانه است که با وجود حملات مستمر طی دو دهه اخیر علیه آن‌ها منقطع نگردید. در این سپهر، پرسش از مهم‌ترین عوامل موفقیت تبلیغ تشیع در نیجریه، فهم چرایی کنش حرکت اسلامی و رهبر آن شیخ زاکزاک و جایگاه فعلی شیعیان مبتنی بر ساختار سیاسی - اجتماعی نیجریه برای نشان دادن راهبردهای ارتقای وضعیت شیعیان از اهمیت زیادی برخوردار است. مقاله حاضر، نشان می‌دهد که استراتژی تبلیغ اجتماعی، عامل اصلی موفقیت تبلیغ تشیع در نیجریه بوده که توانسته ضمن ارتباط برقرار کردن آموزه‌های اهل‌بیت (ع) با مسائل جامعه نیجریه، کنش اجتماعی شیعیان را شکل دهد. این نوشتار، ضمن مطالعه قبیله به عنوان مفهوم بنیادین ساختار اجتماعی نیجریه که در ارتباط با استعمار و شکل‌گیری دولت مدرن، به بحران‌های عمیق اجتماعی انجامیده، نشان داده که کنش هویت‌جو و خودآگاه شیعه، به عنوان کنشی بحران‌زا شناسایی شده است. در پایان، راهبرد بازسازی تصویر شیعه از یک جریان بحران‌ساز به یک جریان سازنده و بازسازی هویتی شیعیان و شکل‌دهی جامعه خودبنیاد شیعه در نیجریه برای برون‌رفت از این چالش‌ها طرح شده که ذیل رویکرد اجتماعی تبلیغ، جامعه شیعه باید روی آموزش، مسأله فقر و مسائل بهداشتی تمرکز کند.

کلیدواژه‌ها: نیجریه، جامعه شیعه، تبلیغ، اجتماع، سیاست و شیعیان.

مقدمه

دو نظریه در مورد ورود اسلام به نیجریه وجود دارد: برخی زمان آن را پس از رحلت پیامبر ﷺ، و عده‌ای قرن هفتم از طریق شمال این کشور پس از ورود تاجران مسلمان می‌دانند. اساس اسلام در غرب افریقا ماهیتی صوفیانه دارد؛ بنابراین برای درک حضور و گسترش اسلام در این منطقه، باید این مسأله را در نظر داشت. شکل‌گیری تشیع در نیجریه را به سه مقطع می‌توان تقسیم کرد:

مقطع نخست، قبل از سال ۱۹۹۴ است که هنوز در آن زمان تشیع در حاشیه بود. مقطع دوم، پس از سال ۱۹۹۴ میلادی با شکل‌گیری جنبش اسلامی در نیجریه که تحت تأثیر جنبش اخوان المسلمین بود، برخی از اعضای این جنبش به تشیع گرایش یافتند. مقطع سوم، اواخر دهه نود میلادی و در آستانه ورود به هزاره سوم بود. در این مقطع، مردم نیجریه از مذهب تشیع استقبال کردند و این مذهب، گسترش چشم‌گیری یافت. به‌طور کلی چند عامل، زمینه و علت ظهور تشیع در نیجریه بوده است: عامل اول، خوجه‌ها، در ساحل غربی افریقا مستقر شده‌اند و نقش مهمی در شکل‌گیری یا گسترش تفکر شیعی این کشور داشتند.

عامل دوم، شیعیان لبنانی بودند. که خدمات بسیاری به مسلمانان نیجریه کردند. عامل سوم، فرق تصوف بوده‌اند. آنان توجه و احترام خاصی برای اهل بیت (ع) با عنوان شرفا، قائلند و نقش بسزایی در رشد و گسترش سیره امامان در نیجریه داشته‌اند. عامل چهارم، حضور بازرگانان مسلمان بوده است. بازرگانان با روابط حسنه و اخلاق نیکو، توانستند زمینه‌های انتقال مذهب تشیع را فراهم آورند.

عوامل یادشده، موجب تقویت شیعه گردید. رهبر کنونی شیعیان نیجریه شیخ ابراهیم زکراکی است. او از یک خانواده مسلمان سنی با مذهب مالکی بوده که مذهب تشیع را انتخاب نمود و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ در دانشگاه به فعالیت‌های اسلامی پرداخت و دبیر کل «انجمن اسلامی سوره» نیجریه بود. او چندین بار در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، به دلیل

ترس حکومت‌های مختلف از او، به بهانه‌های واهی به زندان افتاد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تحت تأثیر آرمان‌های انقلاب قرار گرفت و به امام خمینی علاقه فراوانی پیدا کرد.

او در سال ۱۹۸۰ میلادی در نخستین مراسم سالگرد انقلاب اسلامی، به ایران سفر کرد. پس از این سفر، تغییراتی در تفکر وی به وجود آمد و تصمیم گرفت بین مسلمانان نیجریه وحدت ایجاد کند؛ لذا الگوی نمونه بودن و آموزش و امور فرهنگی را سرمشق خود قرار داد. این مسأله، باعث شده گروه‌های افراطی همواره به وی حمله کنند. پلیس نیجریه در تظاهرات روز قدس در سال ۲۰۱۴ میلادی، سه پسرش را به همراه عده‌ای دیگر تحت تأثیر اقدامات ضدشیعی بعضی کشورها به قتل رساند. در دسامبر سال ۲۰۱۵ به دلیل حمله ارتش نیجریه به منزل وی و حسینیه‌ای که او ساخته بود، شیخ زکراکی به بهانه تلاش برای ترور رئیس ستاد ارتش زخمی و بازداشت گردید و شماری از هواداران وی کشته شدند. سال بعد، دیوان عالی نیجریه حکم آزادی او را صادر کرد اما ارتش نیجریه از اجرای آن و آزادی او تاکنون خودداری کرده است. (عرب احمدی، ۱۳۹۶)

انقلاب اسلامی ضمن تأثیرگذاری در گسترش تشیع در جهان، باعث شد جوامع شیعی از اقلیت‌های زیر سلطه و از خودبیگانه به جوامع خودآگاه و خودبنیاد تبدیل شوند که این فرایند در موارد زیادی، به صورت غیرمباشر و صرفاً تحت تأثیر آرمان‌های انقلاب اسلامی رخ داده است. شکل‌گیری نهادهای فرهنگی و آموزشی شیعی، تأثیرات پسینی بر این سرزمین‌ها داشته و موجب شده تا جایگاه شیعیان در جوامع ارتقا یابد؛ لذا در برابر آن، سیاست‌های شیعه‌هراسانه شکل گرفت که جوامع شیعه را با بحران‌های متفاوتی مواجه ساخت.

نیجریه یکی از کشورهای مورد توجه در رشد شیعه و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است که این کشور را می‌توان سرآمد رشد کمی شیعیان در افریقا بلکه در همه سرزمین‌ها دانست. نکته مهم آن‌جاست که جامعه شیعه، بدون داشتن ریشه‌های بومی تشیع در این کشور، رشد

چشم‌گیر کمی و ایجاد جامعه خودآگاه شیعی را لمس کرده که بررسی دلایل آن می‌تواند بسیار آموزنده و راه‌گشا باشد. شکل‌گیری جامعه خودآگاه شیعی در نیجریه با کنش سیاسی - اجتماعی شیعیان همراه شد که طی دو دهه اخیر، حجم‌های مختلفی علیه شیعیان را به همراه داشته که آخرین آن در سال ۲۰۱۷ به کشته و زخمی شدن جمعی از شیعیان و اسارت شیخ ابراهیم زاکزاکي انجامیده است.

پرسش اصلی مقاله این است که با توجه به جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی - اجتماعی نیجریه، عوامل موفقیت تبلیغ تشیع و شکل‌گیری بحران‌های جامعه شیعی چیست و چه راهبردهایی برای برون‌رفت از آن پیشنهاد می‌شود؟

این نوشتار، ضمن بررسی عوامل موفقیت تبلیغ تشیع در نیجریه و درون‌فهمی کنش سیاسی - اجتماعی جامعه شیعی و رهبر آن شیخ زاکزاکي، به تحلیل بحران امنیتی شیعیان نیجریه می‌پردازد تا در نهایت بتواند راهبردهایی را برای برون‌رفت از این موقعیت پیشنهاد کند. پاسخ ابتدایی به پرسش طرح‌شده آن است که استراتژی تبلیغ اجتماعی تشیع و ارتباط بین مسائل اجتماعی نیجریه با آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، ضمن موفقیت در رشد کمی شیعیان، موجب شکل‌گیری جامعه خودآگاه و کنش اجتماعی فعال شیعیان در این کشور شده است، این کنش هویتی، به دلیل ساختار قبیله‌ای نیجریه، کنشی بحران‌زا شناسایی گردیده که راهبرد بازسازی تصویر شیعه از یک جریان بحران‌ساز به یک جریان سازنده و تبدیل جامعه خودآگاه نیجریه به جامعه خودبنیاد شیعه پیشنهاد می‌شود؛ لذا به راهکارهایی هم‌چون: آموزش، مسأله فقر و مسائل بهداشتی باید توجه شود.

رسالت اصلی مقاله حاضر، تلاش برای درون‌فهمی کنش سیاسی - اجتماعی جامعه شیعیان نیجریه است تا بتواند ضمن کشف عوامل موفقیت این جامعه، درک درستی از مسائل این جامعه به دست آورد و در نهایت، راهبردهایی را برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد نماید. و نیز عبور از اتهام ساده‌تندروی، به کنش اجتماعی شیعیان و فهم دلایل مقابله دولت و ارتش با جامعه شیعه مبتنی بر ساختار اجتماعی این کشور و گریز از ساده‌سازی مسأله، از دیگر رسالت‌های نوشتار حاضر است.

قبیله، (Tribe) مؤلفه بنیادین ساختار اجتماعی نیجریه

فهم جایگاه شیعیان نیجریه و مشکلات آن‌ها به ویژه تحلیل درست کنش اجتماعی شیعیان، مستلزم فهم ساختاری به نام قبیله است. این ساختار اجتماعی بنیادین که در ارتباط با استعمار و فرایند شکل‌گیری دولت مدرن، بحران‌هایی را در نیجریه پدید آورد باید کاوش گردد. این ساختار اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی موجود نیجریه را شکل داده است.

قبیله ساختار بنیادین نظام اجتماعی جوامع افریقایی

مفهوم قبیله، یکی از مهم‌ترین مفاهیم برای فهم افریقا است که ریشه‌های تاریخی دارد. چنان که در بیشتر نقاط افریقا، وقتی از یک بومی سؤال شود: «تو کیستی؟» در پاسخ نمی‌گوید: سنگالی یا نیجریه‌ای یا تانزانیایی، بلکه ابتدا می‌گوید: بامبارا، هوسا یا مانگبتو هستم؛ یعنی برای فرد افریقایی، هویت قومی بر هویت ملی تقدم دارد. (احمدی نوح‌دانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱) در این ساختار، هر فرد به عنوان یک عضو از گروه، باید از آداب تعیین‌کننده و اجباری زندگی، ازدواج، میراث عدالت و سهمیه سرزمین اطاعت کند. چارچوب قبیله، قدرت سیاسی عظیمی به رهبر آن اعطا می‌کند و در مقابل، گروه‌های خویشاوندی، موجب هم‌بستگی، امنیت و رفاه به اعضایشان می‌شوند؛ بنابراین یک نوع روابط دوجانبه (بده و بستان) بین آن‌هایی که اقتدار ناشی از رهبران نژادی را دریافت می‌کنند و کسانی که به عنوان اعضا باید از این فرمان‌ها اطاعت کنند، وجود دارد. (تامسون، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۳۹؛ کلهری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶)

قبیله به غیر از پیوند خویشاوندی، با اشتراکاتی چون؛ زبان، سرزمین و رسوم ارتباط دارد و افراد قبیله، خود را از یک تبار مشترک می‌دانند. مفهوم قبیله عموماً واحدی کوچک‌تر از قوم (Ethnic) به حساب می‌آید، اما خود متشکل از چندین کلان (Clan) در نظر گرفته می‌شود. (احمدی نوح‌دانی، ۱۳۸۶، ص ۹) قبیله و قوم در برابر مفهوم ملت قرار دارد. گروه قومی، به اجتماع مردمی اشاره می‌کند که به عقیده آن‌ها، هویت و تقدیر

مشترک آن‌ها بر پایه موضوعاتی مانند منشأ علقه‌های خویشاوندی، یگانگی فرهنگی، تاریخ مشترک و امکان زبان مشترک بنا نهاده شده است. در این احساسات، یک گروه قومی مانند یک اجتماع خیالی در یک ملت دیده می‌شود اما قومیت، بر احساسات منشأ و نیاکان، بیش از ویژگی‌های جغرافیایی هر ملت متمرکز است. (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷)

الف. استعمار و مسأله قبیله

در دیدگاه رایج در مطالعات افریقا، چنین بیان می‌شود که افریقایی‌ها پیش و پس از استعمار، در گروه‌هایی زندگی می‌کنند که هویت‌های آن‌ها بیش‌تر دگرگون‌ناپذیر و باستانی انگاشته می‌شوند که همه گروه‌های قومی کنونی در افریقای مدرن، بازماندگان این گونه قبایل هستند. (احمدی نوحدانی، ۱۳۸۶، ص ۹) اما برخلاف تصور موجود، قوم و قبیله در افریقا و فهم از ارتباط آن با استعمار و امر سیاسی در دوران مدرن، دارای پیچیدگی‌هایی است و باید توجه داشت که مفهوم قوم و قبیله در یک مرحله، تحت تأثیر سیاست‌های استعماری قرار گرفته و از این طریق تغییراتی کرده است.

در مرحله دیگر، فرایند مدرن شدن در این مناطق، موجب شد تا الگوهای سنتی متأثر از استعمار، با دو الگوی ملی و جهانی مواجه شوند و همه این موارد، در نهایت موجب پیچیدگی فهم امر سیاسی در افریقا شده است. بر این اساس، تحلیل سیاسی - اجتماعی افریقا، نیاز دارد تا فهم دقیق از لایه‌های مختلف ساختار اجتماعی و به طور ویژه قوم و قبیله ایجاد شود. (احمدی نوحدانی، ۱۳۸۶، ص ۹-۱۱)

بسیاری معتقدند، برجسته شدن گروهی از اقوام و هویت‌یابی آن‌ها که به تضاد و تعارض و حتی جنگ‌های سخت میان آن‌ها انجامیده، تا اندازه زیادی به تحریک استعمارگرانی انجام گرفته که در پی تثبیت قدرت خود بوده‌اند و برای این کار، یک گروه انسانی را بر گروه‌های دیگر حاکم نموده و از آن به عنوان ابزاری برای سلطه خود استفاده

کرده‌اند. برای چنین عملی نیز نیاز به ایجاد هویت و تفکیک گروه مزبور از سایر گروه‌ها وجود داشته که این هویت، قالب قومی به خود گرفته است. (احمدی نوحدانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸) بر این اساس، قبایل و روابط آن‌ها در حال حاضر، تحت تأثیر دوره استعمار و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی آن دوره قرار دارد که بدان رنگ سیاسی و منفعت‌طلبانه در دولت - ملت‌های تازه تأسیس داده است. شاید نتیجه سیاست‌ها و مهندسی اجتماعی دوره استعمار در افریقا به طور عام و نیجریه به طور خاص، شکل‌گیری جوامع گسسته (Divided Society) باشد. در دوره استعمار، انگلستان تلاش نمود تا از قدرت قبایل علیه هم استفاده کند تا بتواند با ایجاد موازنه منفی قبایل، حکومت استعماری خویش را حفظ نماید که این سیاست، به شکل‌گیری جوامع گسسته در نیجریه انجامیده است.

ب. دولت مدرن، قبیله و منازعات قومی

قبیله در دوران جدید و به ویژه در فرایند شکل‌گیری دولت مدرن در این قاره، مانع عمده‌ای بوده که کشورهای مختلف را با نیروی گریز از مرکز مواجه کرده است. وجود قبیله‌های مختلف به همراه سیاست‌های استعماری در طی سالیان، موجب شکل‌گیری جوامع گسسته در افریقا شده است. به طور کلی، بیشتر جوامع گسسته به واسطه نقش پرتنش قومیت، نژاد، زبان، مذهب و ایدئولوژی‌های سیاسی، به جنگ‌های داخلی قومی سوق پیدا می‌کنند و شکل‌گیری جنگ‌های داخلی را موجب می‌شوند. (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰) جوامع گسسته افریقایی، با شکاف عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تعدد قومیت‌ها مواجهند و ساختار سیاسی آن‌ها نیز بر این شکاف اثر می‌گذارد. تا جایی که تعدد قومیت‌ها، زبان‌ها و نژادها با درجات مختلف قدرت سیاسی، قادر به گفت‌وگو با یک‌دیگر نیستند، لذا به منازعات مسلحانه قومی و جنگ‌های داخلی روی می‌آورند. (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲) منازعات مسلحانه قومی شامل برخورد گروه‌های قومی با یک‌دیگر و یا با دولت مرکزی است که اغلب با حمایت بی‌شائبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه می‌شود که خود تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌الملل به شمار می‌رود.

در هر حال افریقا، به سبب ساختار قبیلگی، به تناوب شاهد درگیری‌های خشونت‌آمیز از جمله کشتار جمعی افریقایی‌ها بوده است. منازعات قومی در دیگر کشورهای این منطقه، موجبات بی‌ثباتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم آورده تا جایی که مداخلات خارجی موسوم به مداخلات بشردوستانه، از اوایل دهه ۹۰ تاکنون، با هدف تثبیت اوضاع و برقراری امنیت و صلح در مناطق بحرانی افریقا صورت گرفته است. (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۲، ص ۷) نیجریه یکی از کشورهایی است که از فردای استقلال تاکنون، با بحران‌های مختلف اجتماعی ناشی از ساختار روبه‌رو قبیلگی بوده که منجر به منازعات مسلحانه در این کشور شده است. منازعات موجود بین قبایل، جریان‌های جدایی طلب، بحران هویت، شکاف شمال و جنوب و شکاف دولت و ملت از بحران‌های ناشی از ساختار قبیلگی است.

تشیع در افریقا و نقش انقلاب اسلامی

به رغم گسترش اسلام در قاره افریقا طی سده‌های گذشته و حکومت‌های شیعی در شمال قاره، تشیع در افریقای جنوب صحرا رشد چندانی نداشت. این روند تا انقلاب اسلامی ادامه یافت و علی‌رغم حضور مهاجران شیعی (خوجه و لبنانی‌ها)، تشیع در جنوب صحرا گسترش نیافت. گسترش چشم‌گیر تشیع در افریقا پس از انقلاب اسلامی رخ داد که از دو جنبه قابل مطالعه است: یکی روح انقلاب اسلامی، تأثیری شگرف بر جوامع این مناطق داشته و دیگری، پس از انقلاب اسلامی فعالیت تبلیغی و آموزشی در این مناطق گسترش یافت. باید به این نکته اذعان کرد که روحیه برآمده از انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز موجب توجه جوامع و نخبگان آن‌ها به ارزش‌های انقلاب اسلامی گردید. در این روند، انقلاب اسلامی با ایجاد تحرک و انگیزه در سایر مسلمانان، سبب شد آگاهی سیاسی آنان از هویت مذهبی خود بیش از هر زمانی پرنرنگ‌تر شود و موجب زنده شدن روح در هم شکسته و خسته آنان گردد و نوعی برانگیختگی را در میان جمعیت‌های مسلمانان برای حرکت به سمت

تغییر اوضاع حاکم بر آنان به وجود آورد. (شیرودی، ۱۳۸۱، ص ۵) کشور نیجریه و جنبش حرکت اسلامی به رهبری شیخ زاکزاک، مصداق بارز این بیداری در غرب افریقا است. ارزش‌هایی مثل استقلال‌خواهی، آزادی، عدالت، هم‌بستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حق‌طلبی، حقانیت ملل محروم، هم‌کاری و یاری ملل زیر ستم و مقابله با قدرت‌طلبی، غارت‌گری، استعمار، تفرقه و اختلاف، نظام معنایی قاعده‌مند و خاصی را در قالب ایدئولوژی اسلامی شکل داد که در تعارض با نظام معنایی قدرت‌های بزرگ بود و ایده‌های انقلابی را تقویت و یا ایجاد نمود. (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴-۲۸۵)

وقوع انقلاب اسلامی، موجب شد که شیعه از حاشیه به متن دنیای اسلامی شد انتقال یابد. (محمد، ۱۳۸۶، ص ۴۳) الگوی انقلاب اسلامی برای مسلمانان مستضعف افریقایی، هم‌چون گم‌شده‌ای بود که آن را در افکار چپ مارکسیستی دنبال می‌کردند و اکنون انقلاب اسلامی، مدل اسلامی حضور در عرصه بین‌المللی و آرمان تغییر را ارائه کرده بود. تحلیل تأثیر امام خمینی علیه السلام بر اندیشه سیاسی شیخ زاکزاک و نوع عملکرد وی در این قالب اهمیت دارد. در این نوشتار، تلاش می‌شود نوع عملکرد حرکت اسلامی نیجریه بر این مبنا تحلیل شود. تأثیر مهم دیگر انقلاب اسلامی بر جوامع شیعه را می‌توان تبدیل اقلیت‌های بی‌شکل و زیر سلطه و از خود بیگانه شیعیان به جامعه خودآگاه و فعال و منسجم و شبکه‌ای دانست که چنین فرایندی به صورت ملموس در نیجریه مشهود است.

تشیع در نیجریه

پیش از حضور اندیشه‌های شیعی به واسطه انقلاب اسلامی در نیجریه، اندیشه‌های اخوانی در جامعه مسلمان این کشور رونق گرفته بود که علیه رشد اندیشه‌ها و جریان‌های مارکسیستی فعالیت می‌کرد. در این بستر، ورود اندیشه شیعی به نیجریه، تحولی در جریان‌های اسلامی ایجاد کرد که با واکنش‌های تند دولت و ارتش نیجریه از یک سو و جریان‌های تندرو اهل سنت مواجه شد.

حضور تشیع در نیجریه قبل از همه، به حضور لبنانی‌ها در این کشور بازمی‌گردد؛ اما آنچه موجب گسترش تشیع در این کشور شد، انقلاب اسلامی بود که توجه دانشجویان مسلمان نیجریه را به خود جلب نمود. این گروه از جوانان، در آن زمان با مطالعه آثار حسن البنا، سید قطب، محمد الغزالی، و زینب الغزالی و دیگران که به انگلیسی ترجمه شده بود، تحت تأثیر افکار انقلابی اخوان المسلمین بودند. در آن زمان، این افکار انقلابی اخوانی به عنوان بدیلی در برابر منشورات کمونیستی مطرح بودند که با هدف گسترش الحاد در میان جوانان در دانشگاه‌ها به وفور یافت می‌شد. این گروه پس از آشنایی با اندیشه‌های حضرت امام علیه السلام، یک گروه انقلابی را تأسیس کردند که در پی انقلاب بر ضد نظام حاکم و برقراری دولت اسلامی هم‌چون نمونه ایرانی آن بود. در نتیجه این رویکرد، درگیری‌هایی میان ایشان و دستگاه‌های امنیتی به وقوع پیوست که در اثر آن، بارها رهبران این جریان زندانی شدند و اوضاع به گونه‌ای شده بود که عنوان شیعه به معنای معارضة علیه نظام حاکم معنا می‌شد. حرکت اسلامی نیجریه از دل این تحولات، شکل گرفت و رشد یافت. (شکبیا، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷-۳۰۸)

حرکت اسلامی - شیعی

ریشه‌های حرکت اسلامی نیجریه را باید در جنبش دانشجویان مسلمان آن یافت. در دهه ۷۰ میلادی، تفکرات چپ در کنار تفکرات اسلام‌گرایانه اخوانی، در دانشگاه‌های نیجریه رشد زیادی یافت که عمیقاً متأثر از مسائل اجتماعی این کشور بود. در این دوره، اندیشه‌های چپ بر حوزه عمومی نیجریه سلطه داشت و نخبگان مسلمان برای رویارویی با افکار چپ، به اندیشه‌های اخوانی روی آورده بودند. شیخ زاکزاک و جمعی دیگر از نخبگان مسلمان در این وضعیت در دانشگاه حضور داشتند و متأثر از این فضا، گروهی را برای فعالیت اجتماعی تأسیس کردند. پس از انقلاب اسلامی و سفر شیخ زاکزاک به ایران، وی تحت تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های اسلامی قرار گرفت که نتیجه آن تحول

درونی او و شکل‌گیری حرکت اسلامی نیجریه بود که مرکز آن در زاریا قرار دارد. (دفتر مطالعات، ۱۳۸۸، ص ۵۳) تشکیل این حرکت، به گسترش تشیع در این کشور و اتحاد و انسجام میان آن‌ها انجامید. مبارزات این گروه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی ادامه یافت و در طول این سال‌ها، دولت به سبب مبارزات سیاسی این گروه، تعداد زیادی از اعضای حرکت اسلامی را دستگیر و به حبس‌های کوتاه تا طویل‌المدت محکوم نمود. متعاقب درگیری‌های خونین اعضای این گروه‌ها با دولت نیجریه در سپتامبر ۱۹۹۶ که به شهادت حدود سی تن از اعضا و شناسایی و دستگیر شدن حدود هفتصد تن از اعضای این گروه اسلامی توسط دولت منجر شد، مرکز این حزب در شهرهای شمالی تعطیل شد. علاوه بر این، گروهی از مسلمانان اهل سنت نیز به این اقدامات خشن و درگیری اعضای گروه حرکت اسلامی با پلیس اعتراض نمودند و برخی گروه‌های تندرو اهل سنت برای مبارزه با این جریان شیعی تأسیس شدند. تحولات دهه ۹۰ میلادی، به اختلافات در بین طرفداران حرکت اسلامی دامن زد و حرکت اسلامی شمال نیجریه عملاً به دو گروه تقسیم شد:

۱. حرکت اسلامی شمال نیجریه با گرایش انقلابی که به انقلاب در نیجریه معتقدند و رهبری شیخ زاکزاکای را قبول دارند. این گروه هنوز در شمال استقرار دارد. این حرکت از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی ابتدا در مراکز آموزش عالی طرح‌ریزی شد و در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی به روستاها و شهرها نفوذ کرد و در دهه ۹۰ به صورت جنبشی مردمی به خصوص در روستاها تبدیل شد و مردم از آن استقبال کردند. این جنبش از ۱۹۸۴ روز قدس را برای راهپیمایی عمومی اعلام کرد که موجب هم‌بستگی آن‌ها با دیگر جوامع اسلامی شد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹؛ محمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۵)

۲. گروه جداشده از حرکت اسلامی که به تساهل و مدارا گرایش دارند و به حرکت انقلابی قائل نیستند. این گروه در شمال و جنوب مستقر شدند. آن‌ها در احیای افکار اهل بیت (ع) نقش مهمی داشتند و با نظارت و هماهنگی و اطلاع قبلی به دولت، مراسم خود را در جنوب نیجریه و لاگوس برگزار می‌کنند. (شکیبا، ۱۳۸۷، ص ۳۱۱-۳۱۲)

در یک تحلیل کلان و مطالعه فعالیت‌های صورت‌گرفته در نیجریه، به غیر از دو گروه یادشده بومی، باید از اقدامات جامعه‌المصطفی و شیعیان لبنانی در نیجریه یاد کرد که در این زمینه، فعالیت شیخ زاکزاکي و حرکت اسلامی نیجریه بسیار موفق بود. در پی اقدامات و کنش اجتماعی شیعیان طرفدار حرکت اسلامی و حملات علیه آن‌ها، این نکته مطرح شد که اقدامات حرکت اسلامی، تندروانه بوده که به این حملات و هتک حرمت‌ها انجامیده است. چنان که بیان شد، مقاله حاضر بر خلاف این نکته، تلاش دارد تا ضمن برجسته‌سازی موفقیت‌های تبلیغ اجتماعی حرکت اسلامی، به فهمی درونی از اقدامات این جنبش دست یابد و نشان دهد که تبلیغ اجتماعی حرکت اسلامی، موجب شکل‌گیری جامعه شیعه خودآگاه شده و این جنبش در حال حاضر، به راهبردهایی برای برون‌رفت از این وضعیت نیاز دارد.

بحران‌ها و مخالفان شیعیان نیجریه

اقدامات زاکزاکي با تأثیر از انقلاب اسلامی ایران، موجب همراهی گروه زیادی از دانشجویان مناطق شمال نیجریه علیه عملکرد دولت وقت (شاگاری) شد. در نتیجه این اقدامات، بسیاری از دانشجویان مسلمان، مشروعیت دولت وقت را زیر سؤال بردند و با خودداری از تعهد به مشروعیت مذهبی نیجریه، رسماً اعلام کردند که نسبت به هیچ فرد و قانونی جز قانون خداوند تعهد ندارند و خواهان برچیده شدن مشروب‌فروشی‌ها و رعایت حجاب اسلامی در دانشگاه‌ها و اماکن مذهبی شدند. (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹) این اعتراضات، موجب شد شاگاری رئیس‌جمهوری نیجریه، هیأتی را مأمور بررسی این اعتراضات نماید. این هیأت پس از بررسی کامل ریشه این اعتراضات، پیشنهادهایی به شرح ذیل به دولت داد:

۱. در آینده هر جاکه مؤسسات آموزش عالی احداث شد، در نقشه ساختمان یک مسجد در نظر گرفته شود؛

۲. تمامی دختران در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های ایالت فدرال گوسو، سوکوتو و غیره باید پوشش اسلامی را رعایت کنند؛
 ۳. مؤسسات آموزشی دارای امامت جماعت باشد؛
 ۴. مشروب‌فروشی‌ها باید تعطیل یا محدود شود؛
 ۵. افرادی که بدون جواز اقدام به فروش مشروب می‌نمایند، باید طبق دستور دولت از این عمل خودداری کنند و مجلس ایالتی در اجرای قانون منع فروش و مصرف الکل تسریع کند؛
 ۶. پوشش‌های غیراخلاقی زنان در ایالات اسلامی ممنوع گردد.
- بر اساس این گزارش که شیخ زاکزاکي رهبر جنبش دانشجویی معرفی شد، او در سال ۱۹۸۱ دستگیر گردید و تا ۱۹۸۵ در زندان بود. پس از آن قوانین سختی علیه حرکت‌های اسلامی در نیجریه اجرا شد. او پس از آزادی از زندان به دلیل تغییر دولت، تحصیلات حوزوی و شیعی خود را در حوزه علمیه کانو آغاز کرد و بار دیگر بر فعالیت‌های تبلیغی خود افزود و با تأسیس سازمان حرکت اسلامی شمال، به طور رسمی اعلام نمود که بهترین شیوه حکومتی در نیجریه، تأسیس حکومتی نظیر ایران و جمهوری اسلامی بر پایه استقرار کامل عدل و انصاف در جامعه است. این حرکت‌ها، موجب دستگیری مجدد وی در سال ۱۹۸۷ گردید. در دوازده سپتامبر ۱۹۹۶ شیخ زاکزاکي و چند تن از پیروان وی، در شهر شمالی زاریا بازداشت شدند. پلیس علت بازداشت آن‌ها را به‌کارگیری رادیوی غیر قانونی، اقدام برای سرنگونی دولت نظامی رئیس‌جمهور آباچا و اقدامات ضد امنیت ملی ذکر کرد و وی را بار دیگر زندانی نمود. این بازداشت، موجب درگیری طرف‌داران وی و دولت شد که به کشته شدن ده‌ها تن انجامید. (شکیبا، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ ابنا، ۱۳۹۳)
- مخالفان شیعیان و به طور خاص حرکت اسلامی نیجریه را دو گروه اهل سنت تندرو و دولت و ارتش نیجریه می‌توان دانست که تلاش دارند با رشد این جریان مبارزه کنند. (ابراهیم مؤذن، ۱۳۸۸) در ادامه، تلاش خواهد شد تا با مرور ساختار اجتماعی نیجریه، درکی درونی از اقدامات دولت نیجریه حاصل شود و درباره دلایل حمله ارتش به حرکت

اسلامی بحث گردد. در نگاه کلی، فهم بستر سست و بحران‌زده نیجریه، ما را به این نکته متوجه می‌کند که دولت و ارتش این کشور، حرکت اسلامی و کنش اجتماعی و هویت جوی شیعیان را کنشی جدایی طلب و ضدامنیتی می‌بینند و طی دو دهه گذشته، اقدامات ارتش این مسأله را تأیید می‌کند. این اقدامات تحت تأثیر تصویری است که از تشیع در ارتش و دولت نیجریه شکل گرفته است و بر این اساس، خروج از این وضعیت، نیاز به اقداماتی در خصوص تغییر این تصویر دارد.

نظام اجتماعی و تأثیر آن بر وضعیت تشیع

در مطالعه نظام اجتماعی نیجریه، به این پرسش باید پاسخ داده شود که چرا از یک سو، موفقیت تبلیغ تشیع در نیجریه ارتباط مستقیمی با تبلیغ اجتماعی حرکت اسلامی و شیخ زاکزاکای دارد و از سوی دیگر، بحران‌های شیعیان نیجریه نیز ناشی از مسائل اجتماعی این کشور و تصویر شکل‌گرفته از شیعیان است؟ و بر این اساس، تلاش خواهد شد ضمن مرور نظام اجتماعی این کشور، آثار مثبت و منفی این عوامل بر وضعیت شیعیان مطالعه گردد.

۱. قبیله و نظام اجتماعی

نیجریه از قبایل مختلفی تشکیل شده که به زبان‌های متفاوت، صحبت می‌کنند. مهم‌ترین تیره‌های نژادی آن عبارتند از: هوسا (۲۱ درصد) و فولانی (۸ درصد) در شمال (جمعا ۲۹ درصد)، یوروبا در جنوب (۲۱ درصد)، ایبو در جنوب شرق (۱۸ درصد)، ایجاو (۱۰ درصد)، کانوری (۴ درصد)، آیبیبیو (۳/۵ درصد) و تیو (۲/۵ درصد) و ... (رسولی، ۱۳۸۵، ص ۶؛ شکبیا، ۱۳۸۷، ص ۲۵) قبیله را مبنای نظام اجتماعی نیجریه می‌توان دانست که ریشه‌های عمیقاً تاریخی دارد، اما در دوران استعمار، به واسطه مهندسی اجتماعی استعمارگران، با تحولاتی مواجه بوده که در بخش تأثیرات استعمار بر بدن اشاره خواهد شد.

قبیله در تأسیس و تکوین دولت مدرن نیجریه و نزاع‌ها و جنگ‌های داخلی آن تأثیر بسزایی داشته، به طوری که ساختار سیاسی برخی کشورها بر اساس قبیله شکل گرفته است. پس از استقلال نیجریه در سال ۱۹۶۰ سه گروه قومی عمده، سه منطقه متمایز از هم را در این کشور شکل دادند:

الف. گروه هوسا - فولانی در شمال ۲۹ درصد جمعیت کل کشور (شامل حدود سی خرده گروه قومی)؛

ب. گروه یوروبا - فورنیش در غرب شامل ۲۱ درصد جمعیت کل کشور (شامل حدود دوازده خرده گروهی قومی)؛

ج. گروه ایبو در شرق شامل ۱۸ درصد کل جمعیت کشور (شامل حدود ۳۲ خرده گروه قومی). (احمدی نوحدانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۲-۱۹۳)

مطابق همین سیاست، در سال ۱۹۷۶ نوزده ایالت در نیجریه تعریف شد تا دولت بتواند بر نزاع‌های قومیتی غلبه یابد. (کلهری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۷)

شیعیان نیجریه و به طور مشخص حرکت اسلامی به رهبری شیخ زاکزاک، از اقوام شمالی بوده و با توجه به مسأله قومیت در فرایند تبلیغ تشیع در این کشور بسیار مؤثر بوده است. به طور مشخص، فرهنگ اسلامی ریشه دار در دو قوم هوسا و فولانی در شمال، فضای آماده‌ای برای رشد تشیع آماده کرده است. ساختار قبیله‌ای و تأثیرات استعمار بر آن که به شکل‌گیری جامعه گسسته در نیجریه انجامیده، بستر مناسبی برای حرکت‌های استقلال طلب پدید آورده که طی دهه‌های پس از استقلال نیجریه، منازعات داخلی را در این کشور شکل داده است. چنین بستر آماده‌ای، موجب شده تصویر فعالیت‌های شیعیان در این بستر به جریان‌هایی واگرا تفسیر شود و بر همین اساس، با برخورد سخت دولت مواجه گردد. تصویر موجود از شیعه در دولت و ارتش، بزرگ‌ترین خطری است که جامعه شیعه نیجریه و در صورت گسترش آن در غرب افریقا شیعیان این منطقه را تهدید می‌کند.

۲. مسأله هویت و شیعیان

قبیله در کنار سیاست‌های استعماری، موجب شکل‌گیری جوامع گسسته و دولت‌های غیرهژمونیک در افریقا شده که به تبع آن، اغلب کشورهای افریقایی را دچار بحران هویت کرده است. نیجریه با داشتن اقوام گوناگون و متأثر از سیاست‌های استعمار انگلیس، بیش از دیگر کشورها دچار بحران هویت است؛ لذا طی دهه‌های قرن بیستم، با گروه‌های جدایی‌طلب و جنگ‌های داخلی مواجه بوده است.

دولت نیجریه، تمایل زیادی به یک‌پارچه‌سازی و تعریف هویت واحد در درون بافت ملی دارد و سعی می‌کند که یک ملیت را برای همه گروه‌های قومی و مذهبی رسمیت دهد و فقط هویت ملی را روی اوراق شناسایی فرد درج کند. در واقع این دولت‌ها هویت چندگانه را بر نمی‌تابند (احمدی نوحدانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶-۱۶۷) و چنین می‌شود که هویت مذهبی و حتی قومی، نیروهای گریز از مرکز تلقی می‌شوند و دولت آن‌ها و به ویژه شیعیان را که دنبال تعریف یک هویت مذهبی مستقل برای خود هستند، زیر فشار قرار می‌دهد.

شیعیان در بستر بحران هویت موجود در نیجریه رشد یافتند و علاوه بر مشکلات هویت خویش، با بحران جدید هویتی مواجه شدند. مشکل اساسی شیعیان آن است که قرار گرفتن در هویت ملی، آنان را از دست‌رسی به مبانی اعتقادی و مذهبی بازمی‌دارد. از سوی دیگر، هویت قومی نیز نمی‌تواند مطالبات مذهبی، سیاسی و اقتصادی آنان را پاسخ‌گو باشد. یکی دیگر از مشکلات شیعیان در دستیابی به ساختار هویتی، تقابل خرده‌فرهنگ‌های قومی و زبانی با هویت شیعی آنان است. براینده چنین وضعیتی، این است که تکیه بر هویت مذهبی، ظرفیت تقابل هویتی با دولت، گروه‌های مذهبی دیگر و ایستارهای قومیتی را افزایش می‌دهد. شاید بتوان گفت: به واسطه همین کشمکش‌ها بین اقوام، مذاهب و گروه‌های سیاسی، فضای متشنج در چند دهه اخیر بر جامعه نیجریه حاکم بوده و مردمان این سامان را از ثبات و حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت باز داشته است.

(Khadijat, 2003, 28)

علاوه بر بحران‌های کلان یادشده برای شیعیان، باید به طبقه اجتماعی جامعه شیعه توجه کرد. شیعیان عموماً از طبقات پایین جامعه هستند که سرعت گسترش تشیع در نیجریه، موجب شده آموزه‌های شیعی به شکل عمیق رشد نکند و هویت مستقل شیعی شکل نگیرد. این وضعیت، موجب شده جامعه شیعه با تهدیدهای درونی و بیرونی مواجه شوند؛ تهدید درونی از این منظر که آنان به واسطه موانع ساختاری فرهنگی از یک سو و ضعف‌های موجود در انتقال درست آموزه‌های اعتقادی شیعه و آمیختگی آن با سنن خرافی و بومی، در دست‌رسی و تعریف هویتی واقعی و مستقل و مبتنی بر عقاید شیعه با مشکلاتی مواجه هستند. تهدید بیرونی این‌که سایر گروه‌های مذهبی و دولت، در برابر شکل‌گیری چنین هویت مذهبی شیعی واکنش نشان داده‌اند که به نظر یورش‌های مختلف ارتش به جمعیت شیعه طی دهه اخیر به این دلیل باشد. این تهدید بیرون‌زا، با تبعیض مذهبی دولت از یک سو و وجود گروه‌های تندرو اسلامی از دیگر سو دوچندان می‌شود. دولت سکولار و تحت تأثیر سیاست‌های غربی نیجریه، گسترش مسیحیت را موافق سیاست‌های خود و دست‌رسی به هویت ملی مورد نظر می‌داند؛ بنابراین، شاهد اعمال تبعیض میان مسیحیان و مسلمانان هستیم که شیعیان هم از این تبعیض بی‌نصیب نیستند. تمرکز امکانات در جنوب و اعمال محدودیت برای ساکنان مسلمان در شمال، قاعدتاً وضعیت سختی را به شیعیان تحمیل می‌کند و شکل‌گیری یک هویت شیعی نشان‌دار را به تأخیر می‌اندازد. شیعه که به واسطه تبلیغ اجتماعی، به سرعت در نیجریه رشد یافت، طی دهه‌های گذشته، با بحران هویت ناشی از سه عامل قومیت، ملی‌گرایی و مذهب قرار گرفته است. نکته مهم این است که شاید اقدامات شیخ زاکزاک و حرکت اسلامی نیجریه که به تندروی متهم شده‌اند، در این بستر قابل فهم باشد و حرکت اسلامی بتواند با اقدامات خود در گام اول، جامعه شیعه را دارای خودآگاهی کند که ادامه این روند، به سیاست‌گذاری جدی نیاز دارد.

(پیشین)

۳. قبیله فولانی - هوسا و گسترش تشیع

پژوهش درباره اسلام و جمعیت‌های مسلمان در نیجریه و حتی غرب افریقا، ضرورت مطالعه قوم فولانی - هوسا را گوشزد می‌کند. فولانی‌ها در اوایل قرن پانزدهم میلادی، از قسمت‌های شمال و غرب، به مناطق هوسانشین وارد شدند و با ساکنان آن مناطق ازدواج کردند و دین اسلام را در شمال نیجریه و قوم هوسا گسترش دادند. (دفتر مطالعات، ۱۳۸۸، ص ۷) جهاد مسلمانان فولانی، به تأسیس خلافت سکوتو و امیرنشین فولانی منجر شد.

اقوام فولانی و هوسا در طول قرون، به شدت به هم نزدیک شدند و در حال حاضر، هوساها با مردم قبایل کانوری - فولانی، آکان و سونگای در جمهوری بنین - یوروبای پیوند نزدیک دارند و اغلب نیز مسلمانند و به دلیل داشتن دو ویژگی علایق قبیله‌ای و مذهبی، از سایر قبایل این کشور متمایز گشته‌اند. تعصب خاص هوسا - فولانی‌ها به اسلام، باعث گشته که این قبیله، نقش فعالی در تبلیغات اسلامی در سراسر غرب افریقا داشته باشند و تعداد زیادی از مردم غرب افریقا با تلاش‌های تبلیغی آن‌ها به اسلام متمایل شوند. (شکیبا، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۳۲)

بستر اجتماعی قبیله هوسا-فولانی در شمال نیجریه، تأثیر بسزایی در نوع تبلیغ و فعالیت سیاسی - اجتماعی مبلغان دارد. با توجه به تعصب عمیق به اسلام و ریشه‌های عمیق ارزش‌های اسلامی در این قوم، می‌توان درک بهتری از نوع اقدامات شیخ زاکزاکای داشت. در بستری که جامعه آماده‌کنش سیاسی - اجتماعی است و رسالتی که حرکت اسلامی و شیخ زاکزاکای احساس می‌کند، گریزی از فعالیت در حوزه عمومی نیست. اقداماتی هم‌چون اجرای شریعت در شمال نیجریه و واکنش شدید جامعه به حرکت‌های اسلامی در آن‌جا، نشان از آمادگی این جامعه برای مشارکت مذهبی - اجتماعی دارد که شیخ زاکزاکای به درستی از آن بهره‌بردار کرده است.

۴. شکاف دین و دولت

از جمله میراث استعمار در نیجریه، گذشته از شدت اختلافات قبیله‌ای و مذهبی، ترویج نظام غیردینی است. حکومت‌های ملی این ویژگی را پس از استقلال نیز ادامه دارند. حتی به باور برخی، سیاست مذهبی معاصر در نیجریه، مخالفت با مذهب و دفاع از سکولاریسم بوده است. (شهریاری، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ شکیبا، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴) سیاست سکولار و گاهی ضددینی، موجب شکل‌گیری شکاف دین و دولت در نیجریه شده که با بحران هویت همراه گشته و موانع جدیدی پیش روی جامعه قرار داده است. به طور کلی سیاست‌های سکولار دولت، موجب شد تا عرصه جامعه مدنی زیر فشار و گاهی سرکوبی قرار گیرد و سیاست‌مداران، ایدئولوژی‌ها و سیستم عقیدتی جایگزین هم‌چون: ناسیونالیسم، سوسیالیسم و... را تقویت کنند، اما هیچ‌کدام از این عقاید، نمی‌توانست جانشین ایده‌های مسیحیت یا اسلام در نزد افکار عمومی آفریقاییان باشد. در نتیجه، دولت به تدریج، موانعی را بر سر راه جامعه مدنی به وجود آورد یا فعالیت‌های آنان را محدود کرد.

در چنین فضا و نظم مستقر، مسلمانان و شیعیان جایگاهی ندارند. دولت جریان فکری و الگوی زندگی دلخواه خود را که همان الگوی سکولاری است، برای ماندگاری خود بر مردم تحمیل کرده است؛ ضمن اینکه دولت به واسطه ماهیت سکولاریستی خود، سیاست‌های دوگانه‌ای را در مناطق مسلمان‌نشین و مسیحی‌نشین در پیش گرفته که در حوزه آموزش، اقتصاد و فرهنگ، به شکاف این دو بخش از جامعه دامن زده است و مسلمانان و به تبع آن شیعیان را هر روز بیشتر از گذشته به حاشیه می‌راند. (شهریاری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۵) نکته مهم این است که دین در نیجریه، به محلی برای مبارزه جامعه مدنی با قدرت دولت و ارتش تبدیل شده و شکل‌گیری گروه‌های افراطی در همین بستر بوده است. این بستر اجتماعی، موجب شد کنش اجتماعی شیعیان طی دو دهه اخیر نیز در این قالب تفسیر شود. باید توجه داشت که حرکت اسلامی، هیچ وقت خط‌مشی مسلحانه در پیش نگرفته، بلکه تلاش داشته با آرامش و حفظ مرزهای قانونی و با شیوه مخالفت مدنی، به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد. اما بستر موجود در نیجریه، موجب شده تا اقدامات شیعیان، به یک نوع تخاصم و حتی جدایی‌طلبی تفسیر شود.

تبلیغ اجتماعی و جایگاه کنونی تشیع

قضاوت درباره فعالیت‌های حرکت اسلامی به رهبری شیخ زاکزاک، به دلیل پیچیدگی محیط اجتماعی نیجریه و موفقیت‌های آشکار حرکت اسلامی در کنار بحران‌های به‌وجودآمده برای شیعیان بسیار سخت است. برخی پژوهش‌گران، وی را به تندروی متهم کرده‌اند و برخی نیز تاکتیک‌های این گروه را دارای مشکل می‌دانند. به هر روی، اقدامات شیخ زاکزاک و حرکت اسلامی نیجریه، تأثیر مستقیمی بر زندگی شیعیان و تأثیری غیرمستقیم بر شیعیان غرب افریقا بلکه کل افریقا داشته و خواهد داشت. در این بین، حفظ منافع شیعیان در درازمدت و کیفیت زندگی شیعیان اهمیت دارد که باید در عین تأکید بر آموزه‌های شیعه و عمق بخشیدن بدان و تأثیرات اجتماعی این آموزه‌ها، تصویری مثبت و سازنده از حضور شیعیان در جوامع مختلف ایجاد کرد. این تصویر، هم به رشد جایگاه شیعیان یاری می‌رساند و هم در گسترش آن‌ها تأثیر دارد. بر این اساس، مقاله حاضر تلاش کرد تا با روش جامعه‌شناسی تطبیقی، ضمن فهمی درونی از جایگاه جامعه شیعه، نشان دهد کنش سیاسی - اجتماعی حرکت اسلامی نیجریه به رهبری شیخ زاکزاک، تأثیر مثبتی بر رشد تشیع در این کشور داشته و علاوه بر آن، به دلیل وجود گسل‌های اجتماعی فعال در این کشور، تهدیداتی را نیز پیش روی جامعه شیعه قرار داده است.

۱. تبلیغ اجتماعی تشیع

همان‌گونه که در بخش تشیع در افریقا مطرح شد، رشد کمی شیعه در افریقا، پس از انقلاب اسلامی ایران روی داده و با یک بررسی تطبیقی، می‌توان مدعی شد که نیجریه، موفق‌ترین کشور در این زمینه بوده است. بررسی اقدامات و فعالیت‌های جوامع شیعه در افریقا، این ادعا را مطرح می‌کند که نوع فعالیت حرکت اسلامی به رهبری شیخ زاکزاک را موفق‌ترین نوع فعالیت تبلیغی می‌توان دانست؛ در حالی که تجربیات گوناگون دیگر هم‌چون: آموزش آکادمیک، آموزش حوزوی، تحصیلات درازمدت حوزوی و تبلیغ محدود، تأثیرات عمیق

و درازدامنی را در افریقا رقم زده است. در صورت پذیرش این ادعا، این پرسش پیش می‌آید که شاخص‌های فعالیت شیخ زاکزاک و حرکت اسلامی چه بوده است؟ پاسخ به این پرسش، در گرو فهم دقیق مفهوم تبلیغ اجتماعی است. تبلیغ اجتماعی، تبلیغی است که بتواند مسائل جامعه هدف را با آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام مرتبط سازد. توضیح آن‌که حرکت اسلامی نیجریه، معطوف به مسائل و مشکلات محیط اجتماعی این کشور اقدام کرده و توانسته بین آموزه‌های شیعی و مسائل درونی جامعه ارتباط برقرار کند. به دنبال پیوستن مردم به تشیع، فرایندهای اجتماعی و ظهور تشیع در عرصه عمومی به شدت پی‌گیری شده و با وجود پرداخت هزینه این فرایند ادامه یافته است.

به طور خلاصه، مهم‌ترین شاخصه‌های تبلیغ اجتماعی تشیع در نیجریه را می‌توان در چند مورد نام برد؛ از جمله: توجه به ریشه‌ها و ساختارهای تاریخی اسلام در جامعه و پی‌گیری اجرای شریعت، در نظر گرفتن عدالت اجتماعی برای جامعه طبقاتی، حضور و مشارکت اجتماعی مردم در فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی و آموزش اسلامی در سطوح مختلف، و ایجاد علقه بین جامعه مسلمان نیجریه با جوامع اسلامی و مسائل آنان و در رأس آن مسأله فلسطین. باید دقت کرد که این شاخصه‌ها باید در سطح جهان اسلام، به افزایش حس تعلق جامعه شیعه نیجریه به جامعه بزرگ‌تر جهان اسلام منتهی شود و این جامعه، مسائل جهان اسلام را مسائل خود بداند. در سطح داخلی نیز ارتباط مستقیمی میان مسائل مردم و آموزه‌های شیعه برقرار شده که به افزایش هم‌بستگی اجتماعی شیعیان طی دو دهه اخیر انجامیده است که دیگر می‌توان از آن به جامعه شیعه یاد کرد که به خودآگاهی دست یافته است.

۲. ایجاد علقه بین جامعه شیعه و مسائل جهان اسلام

حرکت اسلامی، تلاش نمود ضمن توجه به مسائل داخلی جامعه نیجریه، با برپایی پرشکوه روز جهانی قدس و کنش‌گری فعال در خصوص مسائل جهان اسلام، علقه هویتی بین جامعه شیعه و مسلمان نیجریه با مسائل جهان اسلام به ویژه مسأله فلسطین برقرار سازد. به طور

کلی، یکی از کارکردهای اجتماعی روز جهانی قدس در جهان اسلام را می‌توان افزایش خودآگاهی جوامع اسلامی دانست که حضرت امام علیه السلام آن را طرح و اجرایی کرده. برپایی روز جهانی قدس در نیجریه به رهبری شیخ زاکزاک، چنین کارکردی را برای جامعه شیعه آن به همراه داشته است.

۳. تأثیر تهدیدات بر تبلیغ جامعه شیعی

رویکرد اجتماعی تبلیغ در کنار موفقیت‌ها و تأثیرات عمیق در جامعه به ویژه ایجاد خودآگاهی اجتماعی در جامعه اقلیتی شیعه نیجریه، تهدیداتی را نیز برای آن پدید آورده است. باید اذعان کرد که برخی از این پیامدهای منفی، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و حتی آن را برای جامعه می‌توان مفید دانست، اما برخی از این پیامدها، کیان جامعه اقلیتی را هدف قرار می‌دهد. بر این اساس، با تأیید رویکرد اجتماعی تبلیغ، باید از کنش‌هایی که کیان گروه اقلیت را در خطر قرار می‌دهد، پرهیز کرد و تا جای ممکن، برای اوضاع بحرانی آماده بود. مهم‌ترین تهدیدات موجود علیه شیعیان نیجریه، اتهام جدایی‌طلبی، اتهام فعالیت نظامی، و اقدامات گروه‌های سلفی - جهادی است. دولت و ارتش نیجریه طی سال‌های گذشته، به دلیل بسترهای موجود اجتماعی آن کشور و با هدف کنترل جامعه شیعه، تلاش کرده تصویری بحران‌ساز از جامعه اقلیت شیعه ارائه کند که در حال حاضر این مسأله، مهم‌ترین مشکل پیش روی جامعه نیجریه است.

در ادامه تلاش خواهد شد به برخی از تهدیدات اشاره شود که بر زندگی شیعیان تأثیر گذاشته است.

الف. اتهام جدایی‌طلبی

نیجریه طی سال‌های پس از استقلال، با چند بحران جدایی‌طلبانه مواجه بوده که ناشی از چند قومیتی بودن این کشور، توسعه نامتوازن، بحران هویت و سطح پایین مشارکت

اجتماعی است. جدایی طلبی در نیجریه، موجب شده دولت و نهادهای حاکمیتی، به شدت با هر گونه حرکتی که به نوعی جدایی طلبی دامن می زند، حساس شوند. فعالیت جامعه شیعه به ویژه دیدگاه سیاسی زاکزاک می مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی، شائبه جدایی طلبی را ایجاد می کند. به نظر می رسد این مسأله، از گلوگاه های اصلی جامعه شیعه باشد که حساسیت دولت و نهادهای حاکمیتی نیجریه را موجب شده است.

ب. اتهام نظامی گری

در کنار جدایی طلبی، مسأله نظامی گری و تشکیل گروه های نظامی، از مؤلفه های حساسیت برانگیز نیجریه است؛ زیرا به واسطه وجود گروه تروریستی بوکوحرام و عملیات های تروریستی این گروه، نیجریه به یکی از قربانیان تروریست تبدیل شده است. در کنار این مسائل، ارتش به واسطه حکومت سی ساله نظامی در این کشور، از عناصر اصلی حاکمیت محسوب می شود و طی دهه های پس از استقلال، با شدت تمام با حرکت های نظامی مبارزه کرده است. ارتش در این زمینه و بستر، توانسته با اتهام حرکت مسلحانه به شیعیان نیجریه، آن ها را تهدید کند؛ لذا جامعه شیعه باید در نظر داشته باشد که برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود باید خطوط قرمز حکومت را تشخیص دهد و از اقداماتی که چنین بحران هایی را رقم می زند، پیش گیری کند.

ج. اقدامات گروه های سلفی - جهادی

جامعه شیعی نیجریه از یک سو، به اتهام حرکت های مسلحانه زیر فشار دولت مرکزی قرار دارد و از سوی دیگر نیز جامعه اکثریتی اهل سنت و گروه های سلفی - جهادی آنان را تهدید می کنند. باید اعتراف کرد که جامعه شیعه نتوانسته از فضای تخصصی که گروه های سلفی - جهادی در نیجریه ایجاد کرده اند بهره لازم را ببرد و به دلیل برخی سیاست های غلط، خود را در معرض اتهاماتی واهی قرار داده که کیان جامعه شیعه را تهدید می کند.

نتیجه

مقاله حاضر، تلاش کرد تا فهمی درونی از فعالیت‌ها و اقدامات حرکت اسلامی نیجریه عرضه نماید. بر این اساس، با طرح این پرسش که با توجه به جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی - اجتماعی نیجریه، عوامل موفقیت تبلیغ تشیع و شکل‌گیری بحران‌های جامعه شیعی نیجریه چیست و چه راهبردهایی برای برون‌رفت از آن پیشنهاد می‌شود، تجربه تبلیغ اجتماعی تشیع در این کشور را به عنوان تجربه موفق تبلیغی مطالعه کرد. در این بین، نشان داده شد که شیخ زاکزاک و حرکت اسلامی، تبلیغ اجتماعی تشیع را به عنوان خط‌مشی اصلی در پیش گرفتند که توانسته با ارتباط بین مسائل جامعه هدف با آموزه‌های تشیع در امر تبلیغ بسیار موفق عمل کند. توجه به ساحت هویت اجتماعی شیعیان در بعد داخلی و جهان اسلامی خود، به ایجاد جامعه خودآگاه شیعه منجر گردیده است. در عین حال، مقاله با مرور ساختار اجتماعی نیجریه و برشمردن گسل‌های اجتماعی فعال این کشور، نشان داد که تبلیغ اجتماعی، تهدیدهایی را نیز برای جامعه شیعه ایجاد کرده که برخی از این تهدیدات، حتی کیان جامعه شیعه را نشانه رفته است. بر این اساس، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. زیست اجتماعی شیعیان در نیجریه و ارتقای جایگاه آن‌ها، به حفظ حضور و مشارکت اجتماعی آن‌ها و نیز بازسازی تصویر اقدامات اجتماعی شیعیان بستگی دارد. توضیح آن‌که به دلیل بسترهای بحران‌ساز جامعه و اتهامات واهی ارتش و دولت ایالتی به حرکت اسلامی نیجریه، فضای تنفس جامعه شیعه تنگ شده است و خطر گسترش این تصویر منفی در کل غرب افریقا و همانندسازی شیعیان با بوکو حرام وجود دارد. این فضا، راهبرد بازسازی تصویر شیعه از یک گروه بحران‌ساز به یک گروه سازنده و هم‌گرا را طلب می‌کند که مبتنی بر این راهبرد، اقدامات گسترده در حوزه خدمات اجتماعی برای عموم مردم هم‌چون آموزش، به ویژه آموزش قرآنی و آموزش ابتدایی و سوادآموزی، امور بهداشتی و فقرزدایی پیشنهاد می‌شود. باید از تمام ظرفیت‌های جامعه شیعه در این باب استفاده نمود.

۲. ساختار قبیلگی نیجریه به همراه تجربه دوره استعمار و تلاش برای شکل دادن به دولت مدرن پس از استقلال، موجب شکل‌گیری بحران هویت در این کشور شده که شیعیان نیز از این مسأله مبرا نبوده‌اند. جامعه تازه تأسیس شیعه، با بحران تغییر مذهب نیز مواجه شده و در نهایت به بحران هویت شیعیان متأثر از هویت قبیلگی، ملی و مذهبی انجامیده است. نکته مهمی که می‌بایست برای عبور از این بحران در نظر قرار داد، شکل‌گیری جامعه خودآگاه شیعه در نیجریه است که حاصل اقدامات و سیاست‌های شیخ زاکراکی بوده است. جامعه شیعه اگر بتواند از بحران هویت رهایی یابد، می‌تواند به جامعه خودبنیادی تبدیل بشود که از پس مشکلات ریز و درشت خود برآید. در این زمینه، نیاز به سیاست‌هایی است که بتواند به عمق بخشی اعتقاد جامعه شیعی و هم‌بستگی آن‌ها بینجامد و در عین حال بتواند به ارتقای جایگاه شیعه منتهی شود. در این باره باید به اقدامات آموزشی همراه با تعلیمات دینی برای جامعه شیعه همت گماشت. در این سپهر، شکل‌گیری نظام روحانیت شیعه در نیجریه که بتواند در اقدامات پیش‌رو، ضمن غلبه بر گسیختگی‌های موجود جامعه شیعه به اجرای آن پردازد، نکته کلیدی و راهبردی است. توضیح آن‌که با وجود تربیت نیروهای کیفی در کشورهای افریقایی، هنوز نظام روحانیت به عنوان یک نهاد اجتماعی خودآگاه و فعال شکل نگرفته و به همین دلیل، اختلافات میان نخبگان شیعی، موجب گسست جامعه شیعه نیز شده است.

۳. شکل‌گیری جامعه خودبنیاد شیعه در نیجریه، نیاز دارد که ضمن عبور از بحران هویت جامعه شیعه، اقداماتی برای رشد و توان‌مندی جامعه شیعه در ابعاد گوناگون در پیش گیرد. این اقدامات به ویژه باید بتواند مسأله فقر و روحیه کار و فعالیت این جامعه را هدف ویژه خود قرار دهد. آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای و حضور جامعه شیعه در امور صنعتی کشور از دیگر اقداماتی است که باید پی‌گیری شود.

فهرست منابع

الف. فارسی

۱. احمدی نوحدانی، سیروس، قوم‌شناسی سیاسی آفریقا، تهران: صنم، ۱۳۸۶.
۲. اسپوزیتو، جان. ال. انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۳. بخشی، احمد، «تبیین حضور شیعیان در قاره آفریقا؛ با تأکید بر رهیافت ژئوپلیتیک انتقادی»، همایش ژئوپلیتیک شیعه، ج ۲، سال ۱۳۹۳.
۴. بی‌نام، «گروگان‌گیری‌های سریالی در آفریقا»، روزنامه ابتکار، ۳۰/۰۸/۱۳۹۴، صفحه ایران و جهان، ۱۳۹۴.
۵. پیشگاه هادیان، حمید و دیگران، کتاب آفریقا؛ ویژه منازعات مسلحانه، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.
۶. تامسون، الکس، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا، ترجمه علی گلیانی و احمد بخشی، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
۷. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، کتاب سبز نیجریه، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸.
۸. رسولی، نوید، نیجریه؛ سرزمین زبان‌ها و قومیت‌ها، تهران: الهدی، ۱۳۸۵.
۹. زاکزاک، ابراهیم یعقوب، «مصاحبه با شیخ زاکزاک»، مجله حضور، شماره ۵۲، بهار ۱۳۸۴.
۱۰. ستوده، محمد، «انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی، ج ۲، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۱۱. شکیبا، محمدرضا، سرزمین و مردم نیجریه، تهران: الهدی، ۱۳۸۷.
۱۲. شهریاری، ابوالقاسم و دیگران، «بررسی بسترهای شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم اسلامی در نیجریه»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۲.
۱۳. شیرودی، مرتضی، «انقلاب اسلامی و تجدید حیات جنبش‌های معاصر»، هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۷۱، سال ۱۳۸۱.
۱۴. عرب‌احمدی، امیر بهرام، شیخ ابراهیم یعقوب زاکزاک و نقش بنیادین او در شکل‌گیری و گسترش تشیع در نیجریه، تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶.

۱۵. کلهری. محسن، جامعه‌شناسی افریقا؛ انسان و جامعه، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی، ۱۳۷۸.
۱۶. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۷. _____، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۴.
۱۸. _____، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۱۹. مزروعی، رجبعلی، «مسیحیت در نیجریه»، کیهان فرهنگی، شماره ۴۵، آذر ۱۳۶۶.
۲۰. مؤسسه حیدر نیجریه، تشیع در نیجریه، ترجمه: جمال اشرفی، ثبت دبیرخانه پژوهشگاه ۲۲۶۶، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، پاییز ۱۳۹۳.
۲۱. میرزایی. نجفعلی، من مولفات الشيخ عثمان بن فودی؛ قائد النهضة السلامیه الجهادیه الکبری فی القاره الافریقیه، نیجیریا - کانو: معهد اهل بیت (ع) للدراسات و العلوم الاسلامیه و مؤسسه دار التقلین الثقافیه، ۱۴۱۸.
۲۲. هاشمی‌نسب، سیدسعید، «ورود اسلام به افریقا؛ بازخوانی سیاسی - اجتماعی»، فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، سال اول، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۲.
۲۳. هیسکت، مروین، گسترش اسلام در غرب افریقا، ترجمه احمد نمایی و محمدتقی اکبری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

ب. انگلیسی

1. Abimbola Adesoji, (2010) "The Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism in Nigeria", **Africa specturam**, Vol.45, No.2.
2. Adagba Ogpaga & Ugwu Sam Chijioke & Okechukwo Innocet, (2012) "Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigera" **Arabian Journal of Business And Management Review (OMAN Chapter)**, Vol.1, No.9.
3. Ember. Melvin and carol r. ember (2001 c) **countries and their ultures**, macmillan reference USA.

4. Khadijat, Rashid (2003) "K.Ethnicity and Subnationalism in Nigeria: Movement for a Mid-West State", in **African Studeis Reviews**, Vol.46, No.2.

ج. سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

۱. ابنا، «تظاهرات خونین روز جهانی قدس در نیجریه/ شهادت راهپیمایان از جمله سه فرزند رهبر شیعی نیجریه»، خبرگزاری ابنا، ۱۳۹۳، کد خبر ۶۲۶۸۳۶، به آدرس:

<http://fa.abna24.com/service/africa/archive/2014/07/26/626836/story.html>

۲. صالح، عبدالله، «سیاست خارجی نیجریه در جهان اسلام، گفت‌وگو با عبدالله صالح، پژوهشگر نیجریه‌ای»، پایگاه پژوهشی مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، منتشر شده در ۱۳۹۴/۰۱/۰۳، به آدرس:

<http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-interviews/>

۳. قنادباشی، جعفر، «جریان‌ها و گروه‌های حامی بوکوحرام در نیجریه»، مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، منتشر شده در ۱۳۹۳/۰۹/۰۸، به آدرس:

<http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-notes-and-papers/>

۴. موذن، ابراهیم، «تشیع در نیجریه»، خبرگزاری ابنا، ۱۳۸۸، کد ۱۶۸۳۷۰، به آدرس:
<http://fa.abna24.com/special-issue/archive/2009/06/16/168370/story.html>

مكانة الشيعة في الهيكل الاجتماعي في نيجيريا

الدكتور على شيرخاني / سيد سعيد هاشمي نصيب

ملخص البحث

شهدت تجربة ترويج المذهب الشيعي ومدرسة أهل البيت عليهم السلام في البيئة الدولية بعد الثورة الإسلامية في إيران، تغييراً جوهرياً، نوعياً وكمياً. وقد تطوّر واقع الشيعة في معظم المناطق من أقلية خاضعة لسيطرة الآخرين تعيش غربة الذات إلى مجموعات تتمتع بالوعي الذاتي والاكتفاء الذاتي. في هذه المرحلة، تعدّ التجربة الشيعية في نيجيريا، بسبب نموها السريع، مع عدم وجود شيعة محليين في هذا البلد سابقاً، تجربة فريدة من نوعها من حيث أنها لم تتوقف على الرغم من الهجمات المتكررة ضدّهم خلال العقدين الماضيين. في هذا السياق، تبرز الأهمية الكبيرة للأسئلة التي تُطرح عن أهم عوامل نجاح نشر التشيع في نيجيريا، وفهم سبب تفاعل الحركة الإسلامية وزعيمها الشيخ الزكزاكي، والموقع الفعلي للشيعة القائم على أساس البنية السياسية والاجتماعية لنيجيريا، وذلك لإظهار استراتيجيات تعزيز الوضع الشيعي. تشير هذه المقالة إلى أن استراتيجية الدعوة الاجتماعية كانت عاملاً رئيسياً في نجاح الدعوة الشيعية في نيجيريا، والتي تمكنت من ربط تعاليم أهل البيت عليهم السلام بقضايا المجتمع النيجيري، وتسيير العمل الاجتماعي الشيعي، وفي النهاية خلق مجتمع نيجيري واعى. أظهرت هذه الدراسة، أنّ عملية البحث عن الهوية والوعي الذاتي الشيعي، عُرفت بأنّها حركة تخلق الأزمات؛ وذلك عند تناوّلها القبيلة كمفهوم أساسي للبنية الاجتماعية النيجيرية، والتي أدت إلى خلق أزمات اجتماعية عميقة فيما يتعلق بالاستعمار وتشكيل الدولة الحديثة، مثل أزمة الهوية، والتيارات النابذة، والحروب الأهلية. وأخيراً، تمّ تصميم إستراتيجية إعادة بناء صورة الحركة الشيعية التي عُرضت وكأثنا تبار يصنع الأزمات إلى تيار بئاء، وإعادة بناء الهوية الشيعية وتشكيل مجتمع شيعي يعتمد الاكتفاء الذاتي في نيجيريا لمعالجة هذه التحديات. ومن خلال النهج الاجتماعي الدعوى، يجب أن يركّز المجتمع الشيعي على مسألة التعليم والفقير والأمور الصحيّة.

الكلمات المفتاحية: نيجيريا، المجتمع الشيعي، التبليغ، الاجتماع، السياسة والشيعة.